

شناسایی عوامل موثر بر سواد مالی مدیران و ارتباط این عوامل با اختلافات مالی در شرکت‌های پدیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

صدیقه طوطیان اصفهانی¹، معصومه جعفری² و الهه برخورداری³

1- نویسنده مسئول، استادیار گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق، تهران، ایران. آدرس پست الکترونیکی: tootian_ir@yahoo.com

2- استادیار گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق، تهران، ایران

3- دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت مالی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق، تهران، ایران.

چکیده

هدف این پژوهش شناسایی عوامل موثر بر سواد مالی مدیران و بررسی ارتباط بین سواد مالی مدیران و اختلافات مالی در شرکت‌های بورسی است. جامعه، شامل مشارکت‌کنندگان در بازار سهام در سال 1396 که تابعیت ایرانی دارند. از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده 150 نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. روش جمع‌آوری داده‌ها کتابخانه‌ای و میدانی است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه شن و همکاران (2016) است. برای شناسایی عوامل از روش AHP با نرم افزار Expert Choice استفاده شد. نتایج نشان داد، تنوع سرمایه‌گذاری با وزن نسبی 0.215 اولویت اول، کارت بانکی با وزن نسبی 0.184 اولویت دوم، هزینه برق و گاز با وزن نسبی 0.124 اولویت سوم، بازده سرمایه‌گذاری با وزن نسبی 0.119 اولویت چهارم، نرخ تورم با وزن نسبی 0.099 اولویت پنجم، سابقه اعتباری با وزن نسبی 0.091 اولویت ششم، بالا نگهداشتن اعتبار بانکی با وزن نسبی 0.070 اولویت هفتم، نسبت تراکنش حساب با وزن نسبی 0.061 اولویت هشتم، ریسک سرمایه‌گذاری با وزن نسبی 0.038 اولویت نهم اهمیت قرار دارد. همچنین نتایج با نرم افزار spss نشان داد که بین سواد مالی مدیران (مدیریت پول و پس‌انداز، مدیریت تامین مالی و اعتباری و برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری) و اختلاف مالی شرکت‌ها ارتباط معنادار وجود دارد.

کلمات کلیدی: سواد مالی مدیران؛ مدیریت پول و پس‌انداز؛ مدیریت تامین مالی و اعتباری؛ برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری و

اختلاف مالی

پیدایش پدیده‌های جدید یا تحولات وسیع در پدیده‌ها، در برخی موارد باعث شکل‌گیری مفاهیم جدیدی می‌شود. در عصر حاضر با شکل‌گیری نوع جدیدی از تحولات اقتصادی و مالی، لازم است افراد از آگاهی‌ها و توانمندی‌های خاصی برای مواجهه با پیچیدگی‌های به وجود آمده برخوردار باشند. در چنین شرایطی با وجود تنوع، پیچیدگی بازارهای مالی و تحولات سریع در آن، داشتن مهارت‌ها و روش‌های مدیریت امور مالی، برای جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و استفاده اطلاعات مالی و در یک کلام داشتن سواد مالی ضروری خواهد بود. سواد مالی، مجموعه دانش درک امور مالی است که شامل بررسی پدیده‌های مالی، ماهیت قوانین و روابط حاکم بر آن می‌باشد. عدم درک اقتصاد و امور مالی، یک عامل بازدارنده برای مالکیت سهام است. از دست رفتن رفاه ناشی از عدم مشارکت در بازارهای سرمایه در اثر فقدان سواد مالی بسیار قابل توجه است. واضح است که سرمایه‌گذاران ناآگاه و فاقد سواد مالی کافی، قادر به استفاده کامل از بازار مالی و انتخاب عاقلانه که منجر به سرمایه‌گذاری کارآمد خواهد شد، نخواهد بود (ون روژ و لوساردی¹⁵، 2011، 596).

همچنین، اختلاف مالی یک شکایت در مورد ارائه خدمات مالی است. که با در اختیار داشتن نامناسب و ناکافی سواد مالی و آگاهی از ریسک، همراه با عدم تقارن اطلاعات موجود بین موسسات مالی و عمومی، موارد تقلب شامل کارت‌های اعتباری، بانکداری آنلاین، دستگاه خودپرداز، مشاوره سرمایه‌گذاری، و جمع‌آوری کمک‌های غیر قانونی رخ می‌دهد. اغلب، تحمیل درد، رنج قابل توجه، ضرر و زیان به عموم مردم است. حل اختلاف مالی یک جنبه ضروری حفاظت سرمایه‌گذار است (شن و همکاران¹⁶، 2016، 64). بنابراین یکی از مسائل اصلی در عملکرد کارای بازارهای مالی، موضوع سواد مالی مشارکت‌کنندگان فعلی یا بالقوه است. سیاست‌گذارانی که بر اساس تئوری‌های اقتصاد بازار، سعی در توسعه بازارهای مالی دارند باید از پیش بدانند که حداقل سطح سواد مالی لازم برای مشارکت‌کنندگان در بازارهای مالی، باید به چه میزان باشد تا اهداف مدنظر تحقق یابند. بنابراین پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال می‌باشد که اولویت‌بندی عوامل موثر بر سواد مالی چگونه است؟ آیا بین سواد مالی و اختلافات مالی در شرکت‌ها ارتباط معنادار وجود دارد؟ به نظر می‌رسد پاسخ به این سوال می‌تواند برای مدیران، برنامه‌ریزان سیاست‌گذار در بازار سرمایه مفید واقع شود.

مبانی نظری پژوهش

سواد مالی توسط بنیاد مالی پژوهش در آموزش انگلستان به شرح زیر تعریف شده است: توانایی قضاوت آگاهانه و تصمیم‌گیری موثر در استفاده از منابع پولی و مدیریت آن. پس از طرح این موضوع، مبحث سواد مالی، مبدل به یک موضوع بسیار مهم پژوهش‌ها شد، به طوری که ابتدا در کشورهای انگلستان و آمریکا و متعاقب آن در سایر کشورها از جمله استرالیا، هلند، ایتالیا، مالزی و ... مورد توجه پژوهشگران قرار گرفت. در تایید این مدعا به تعداد زیادی از مطالعات در این حوزه و

¹⁵ Wenroj & Losardi

¹⁶ Shen et al

اجرای برنامه‌های آموزشی متعدد در راستای ارتقاء سواد مالی در کشورهای مختلف به ویژه آمریکا می‌توان اشاره داشت. به نحوی که تقریباً اغلب ایالت‌های این کشور سرفصل مصوب سواد مالی داشته و علاوه بر آن مجمعی به نام جامپ استارت در آمریکا وظیفه توسعه و بهبود سواد مالی را به عهده گرفته و هر 2 سال یک‌بار نسبت به آزمون ادواری سواد مالی و گزارش نتایج آن اقدام می‌نماید (ایزدی، 1391: 39).

سواد مالی را در اختیار داشتن دانش و درک از مسائل مالی تعریف نموده‌اند. سواد مالی است عمدتاً در ارتباط با مسائل مالی شخصی استفاده می‌شود. سواد مالی اغلب مستلزم دانش درباره درستی تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور مالی شخصی ویژه‌ای مانند املاک و مستغلات، بیمه، سرمایه‌گذاری، صرفه‌جویی (به خصوص برای دانشگاه)، برنامه‌ریزی مالیاتی و بازنشستگی می‌باشد. برخی صاحب‌نظران آن را شامل دانش صمیمی از مفاهیم مالی مانند ترکیب علاقه، برنامه‌ریزی مالی، مکانیزم‌های استفاده از کارت‌های اعتباری، روش صرفه‌جویی سودمند، حقوق مصرف‌کننده، ارزش زمانی پول، و غیره دانسته‌اند (لوساردی و میشل، 2007: 82).¹⁷ تعریف استاندارد سواد مالی عبارت است از «داشتن دانش، مهارت، و اعتماد به نفس برای اتخاذ تصمیمات مالی سخت». محیط نهادی نیز نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های مالی دارد و بر انتخاب‌ها، و کمیت و کیفیت اطلاعات و محرک‌های مرتبط تأثیر بسیار دارد. سواد مالی، مورد توجه روزافزون دولت‌ها و سایر خط‌مشی‌گذاران دولتی است. پژوهش‌های انجام‌شده در کشورهای OECD نشان می‌دهند که سواد مالی افراد و خانوارها، قطع‌نظر از میزان درآمد و تحصیلات، بسیار پایین است، اما در میان گروه‌های کم‌درآمد و با تحصیلات پایین، میزان آن، بسیار کمتر است. به نظر می‌رسد حتی مالکان سهام و معامله‌گران دارایی‌های مالی نیز در پی ارتقای سطح سواد مالی خود نیستند (لوساردی و میشل، 2007: 83).

پیشینه پژوهش

شن و همکاران¹⁸ (2016) نشان دادند هرچه سواد مالی در شرکت‌ها افزایش می‌یابد، به همان میزان منجر به کاهش اختلافات مالی در شرکت‌ها می‌شود. همچنین با افزایش سواد مدیریت پول و پس‌انداز، سواد مدیریت تامین مالی و اعتباری و سواد برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری، سواد مالی کاهش می‌یابد. هواشین و همکاران¹⁹ (2015) در پژوهش خود دریافتند که بین سواد مالی و اختلاف مالی در بین مدیران رابطه معنی‌دار وجود دارد. بدین معنی که افراد با سطح سواد بالای مالی کمتر تجربه اختلاف مالی و نیز واکنش به آن را دارد.

ملازاده و همکاران (1395) به بررسی تأثیر دانش مالی مدیرعامل بر روی مدیریت سود و بررسی تفاوت مدیریت سود در شرکت‌های دارای مدیرعامل با دانش مالی و سایر شرکت‌ها پرداختند. جهت انجام این پژوهش مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی اختیاری و مدیریت سود واقعی به صورت جداگانه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (130)

17 Losardi & Mishel

18 Shen et al

19 Huashin et al

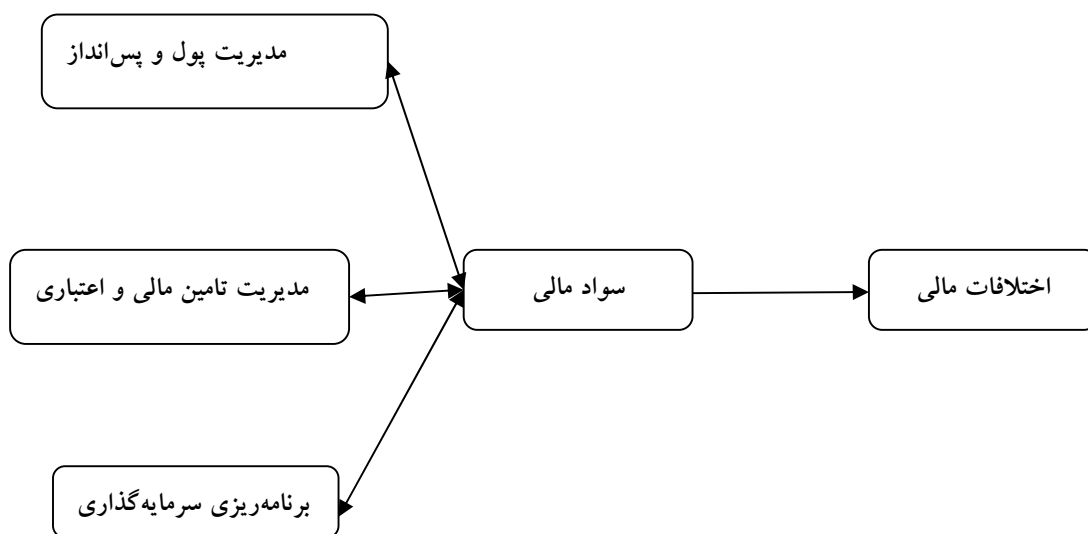
شرکت) پرداخته شد. نوع مدرک تحصیلی به عنوان معیاری جهت اندازه‌گیری دانش مالی مدیر عامل در نظر گرفته شده است. جهت تحلیل داده‌های پژوهش، از مدل‌های رگرسیونی چند متغیره ترکیبی/ تلفیقی و همچنین آزمون برابری میانگین استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دانش مالی مدیرعامل بر روی مدیریت سود شرکت براساس رویدادهای واقعی و اقلام تعهدی اختیاری تاثیر ندارد. از طرف دیگر تفاوت معنی داری بین مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی اختیاری و مبتنی بر رویدادهای واقعی در شرکت‌های با مدیرعامل دارای دانش مالی و سایر شرکت‌ها وجود ندارد.

مارتین و همکاران (2011) در پژوهشی به بررسی رابطه بین سواد مالی و مشارکت در بورس پرداختند و به این نتیجه رسیدند که اکثریت پاسخ‌دهندگان دانش مالی اساسی و برخی از درک مفاهیمی مانند ترکیب بهره، تورم، و ارزش زمانی پول نمایش می‌دهند. با این حال، تعداد بسیار کمی از آنها مفاهیم اساسی فراتر از این را می‌دانستند، بسیاری از پاسخ‌دهندگان تفاوت بین اوراق قرضه و سهام، رابطه بین قیمت اوراق قرضه و نرخ بهره، و اصول تنوع ریسک را نمی‌دانستند.

ون روژ و دیگران²⁰ (2011)، در مقاله خود با عنوان سواد مالی و برنامه‌ریزی بازنشستگی در هلند، به بررسی رابطه سواد مالی و برنامه‌ریزی دوران بازنشستگی افراد در هلند پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که پیچیدگی تصمیم‌گیری مالی در خانوارها به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است و به نظر می‌رسد با این شرایط، خانوارها با فقدان سواد مالی برای مقابله با این پیچیدگی‌ها، از جمله در رابطه با نحوه پس‌انداز و سرمایه‌گذاری برای دوران بازنشستگی خود، مواجه هستند. بنابراین یک رابطه مثبت معنادار، بین سواد مالی و برنامه‌ریزی دوران بازنشستگی، در هلند وجود دارد، به این معنی که افرادی که دارای سواد و آگاهی مالی بیشتری هستند، در برنامه‌ریزی دوران بازنشستگی خود تواناتر هستند.

مدل مفهومی پژوهش

در این پژوهش از دو مدل استفاده شده یکی مدلی که بر اساس روش تحلیل سلسله مراتبی برای شناسایی و رتبه‌بندی عوامل و دیگری برای بررسی ارتباط بین سواد مالی و اختلاف مالی بر اساس نمودار صفحه بعد می‌باشد. در این نمودار سواد مالی متغیر مستقل است و اختلافات مالی متغیر وابسته است.



منبع نمودار: شن و همکاران (2016)

با توجه به ادبیات پژوهش و مدل مفهومی، فرضیه‌های پژوهش برای بررسی ارتباط بین متغیرها تدوین شد. ولی از آنجا که شناسایی عوامل موثر بر اساس روش AHP از نوع اکتشافی بود برای آن فرضیه‌ای تدوین نشد.

- بین سواد مالی مدیران و اختلاف مالی شرکت‌ها ارتباط معنادار وجود دارد.
- بین سواد مدیریت پول و پس انداز و اختلافات مالی در شرکت‌ها ارتباط وجود دارد.
- بین سواد مدیریت تامین مالی و اعتباری و اختلافات مالی در شرکت‌ها ارتباط وجود دارد.
- بین سواد برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری و اختلافات مالی در شرکت‌ها ارتباط وجود دارد.

روش شناسایی پژوهش

با توجه به هدف پژوهش شناسایی عوامل موثر بر سواد مالی مدیران و بررسی ارتباط بین سواد مالی مدیران و اختلافات مالی در شرکت‌های بورسی است. این پژوهش از آنجایی که به شناسایی عوامل موثر می‌پردازد اکتشافی است. همچنین از نظر هدف، کاربردی است. به دلیل این که به ارتباط بین متغیرها می‌پردازد از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل مشارکت‌کنندگان در بازار سهام که تابعیت ایرانی دارند که شامل معامله‌گران، کارگزاران و اساتید که در بازار سهام شرکت می‌کنند و سرمایه‌گذاری می‌کنند. روش نمونه‌گیری تصادفی ساده است. برای محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که حجم نمونه 150 نفر برآورد شد. جمع‌آوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و میدانی است. ابزار گردآوری این پژوهش

از دو پرسشنامه استفاده شد: یکی پرسشنامه مقایسات زوجی برای شناسایی عوامل موثر به روش AHP و دیگری برای بررسی ارتباط بین متغیرها پرسشنامه استاندارد سواد مالی (سواد مدیریت پول پس انداز، سواد مدیریت تامین مالی و اعتباری و سواد برنامه ریزی سرمایه گذاری) و اختلاف مالی طراحی شده توسط شن و همکاران (2016) است. رویی صوری این پرسشنامه توسط خبرگان مورد تایید قرار گرفت و برای پایایی آن از آلفای کرونباخ بر اساس جدول زیر استفاده شد.

جدول ضریب پایایی متغیرهای پژوهش

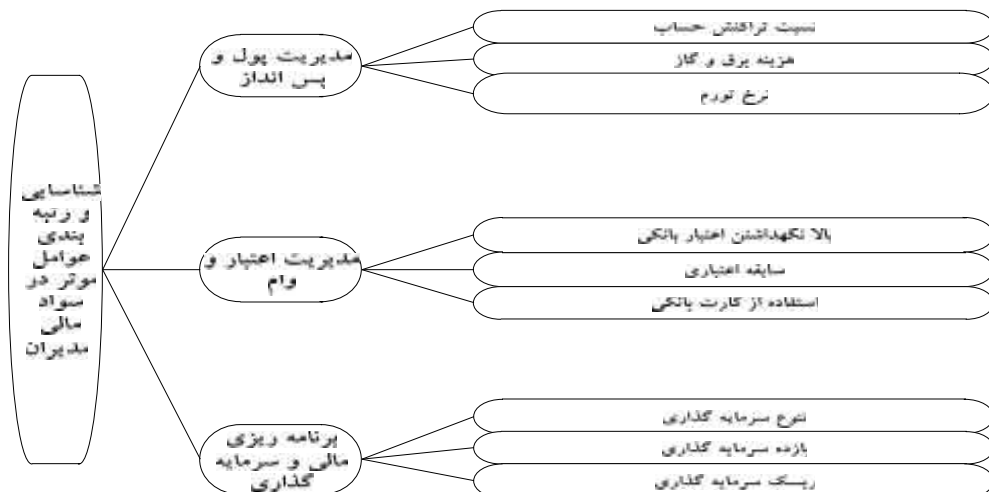
متغیر	تعداد سئوالات	ضریب آلفای کرونباخ
سواد مالی مدیران	11	0.902
مدیریت پول و پس انداز	3	0.884
مدیریت تامین مالی و اعتباری	5	0.918
برنامه ریزی سرمایه گذاری	3	0.843

تجزیه و تحلیل داده ها

تجزیه و تحلیل داده ها به روش AHP

شناسایی عوامل موثر بر سواد مالی بر اساس گام های زیر انجام شد:

گام اول: شناسایی و رتبه بندی عوامل موثر در سواد مالی مدیران بر اساس مدل AHP (تدوین درخت سلسله مراتبی AHP)، نخست ابتدا با توجه به نظرات کارشناسان (خبرگان) به منظور شناسایی عوامل موثر در سواد مالی مدیران درخت تصمیم سلسله مراتبی بایستی طراحی می گردید که در قالب 3 عامل اصلی دسته بندی شد.



نمودار درخت سلسله مراتبی AHP رتبه‌بندی عوامل موثر در سواد مالی مدیران

گام دوم: محاسبه وزن عوامل اصلی (سطح یک): برای محاسبه اهمیت (وزن) نسبی هریک از عوامل اصلی پرسشنامه‌ای مطابق با فرمت پرسشنامه AHP (مقایسه دو به دو) برای کسب نظرات کارشناسان تهیه و توزیع شد. این پرسشنامه شامل یک ماتریس برای مقایسه زوجی عوامل می‌باشد. بنابراین به تعداد مقایسه وجود دارد. با توجه به اینکه سطح یک دارای 3 عامل بودند تعداد مقایسات و یا سئوالات برابر با:

$$\frac{n(n-1)}{2} = \frac{3(3-1)}{2} = 3$$

پس از تکمیل پرسشنامه‌ها نرخ ناسازگاری هر یک از آنها به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفت. سرانجام 30 پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و با استفاده از نرم افزار Team Expert Choice نظرات افراد با یکدیگر تلفیق گردید. این نرم‌افزار دارای امکانات گسترده‌ای جهت اخذ ماتریس‌های مقایسات زوجی افراد و سپس تلفیق ماتریس‌های افراد گوناگون و تبدیل به یک ماتریس واحد است که از طریق میانگین هندسی تک تک عناصر ماتریس‌های افراد به دست می‌آید.

جدول ماتریس تلفیق شده (هندسی) مقایسات زوجی گروهی سطح یک

رتبه	وزن	برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری	مدیریت تامین مالی و اعتباری	مدیریت پول و پس‌انداز	عوامل اصلی
3	0.284	0.595	1.056	1	مدیریت پول و پس‌انداز (A)
2	0.345	1.189	1	0.947	مدیریت تامین مالی و اعتباری (B)
1	0.372	1	0.841	1.681	برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری (C)
IR=0.04<0.1					

نتایج تحلیل جدول محاسبه شده وزن عوامل اصلی نشان می‌دهد که عامل برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری با وزن نسبی 0.372 در رتبه اول و عامل مدیریت تامین مالی و اعتباری با وزن نسبی 0.345 در رتبه دوم و عامل مدیریت پول و پس‌انداز با وزن نسبی 0.284 در رتبه سوم اهمیت قرار دارد.

نحوه محاسبه نرخ سازگاری ماتریس تصمیم‌گیری گروهی

برای اینکه بتوان به رتبه (اولویت) عوامل موثر در سواد مالی مدیران اعتماد کرد بایستی نرخ ناسازگاری (I.R.) ماتریس مقایسات زوجی را محاسبه کرد. بدین ترتیب مراحل محاسبه نرخ ناسازگاری به صورت زیر می‌باشد:

$$WSV = D \times W \quad \text{1- محاسبه بردار مجموع وزنی (WSV):}$$

ابتدا ماتریس مقایسه زوجی D (جدول 2) را در بردار وزن‌های نسبی (W) ضرب می‌کنیم:

$$WSV = \begin{bmatrix} 1 & 1.056 & 0.595 \\ 0.947 & 1 & 1.189 \\ 1.681 & 0.841 & 1 \end{bmatrix} * \begin{bmatrix} 0.284 \\ 0.345 \\ 0.372 \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} 0.870 \\ 1.056 \\ 1.146 \end{bmatrix}$$

2- محاسبه بردار سازگاری (CV):

عناصر بردار مجموع وزنی را بر بردار وزن‌های نسبی تقسیم می‌کنیم. به بردار حاصل، بردار سازگاری گفته می‌شود.

$$CV = \begin{bmatrix} 0.870 \\ 1.056 \\ 1.146 \end{bmatrix} \div \begin{bmatrix} 0.284 \\ 0.345 \\ 0.372 \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} 3.062 \\ 3.062 \\ 3.063 \end{bmatrix}$$

3- محاسبه بزرگترین مقدار ویژه ماتریس مقایسات زوجی (max):

$$\lambda_{\max} = \frac{3.062 + 3.062 + 3.063}{3} = 3.062$$

4- محاسبه شاخص ناسازگاری (II): شاخص ناسازگاری به صورت زیر حساب می‌شود:

$$II = \frac{3.062 - 3}{3} = 0.021$$

5- محاسبه نرخ ناسازگاری (IR): به این منظور، به ترتیب زیر عمل می‌شود:

$$IR = \frac{II}{IRI} = \frac{0.021}{0.58} = 0.04 \leq 0.1$$

جدول شاخص تصادفی I. RI (Saaty.1980)

N	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10
I.R.I	0	0	0.58	0.9	1.12	1.24	1.32	1.41	1.45	1.51

در اینجا IRI (شاخص ناسازگاری تصادفی) مقداری است که از جدول مربوطه استخراج می‌شود که این مقدار برای ماتریس با بعد $n=3$ برابر با 0.58 می‌باشد. در نهایت نرخ ناسازگاری ماتریس مورد نظر برابر (IR=0.04) است و چون این مقدار کمتر از 0.1 است ($IR \leq 0.1$) بنابراین در مقایسات زوجی، سازگاری وجود دارد.

گام سوم: محاسبه وزن عناصر سطح دو (اوزان محلی):

سومین قدم بعد از این که عوامل اصلی رتبه‌بندی شد باید به محاسبه وزن عوامل فرعی موثر در هر زیرگروه بپردازیم که نتایج به شرح جداول زیر می‌باشد:

جدول رتبه‌بندی عوامل موثر در سواد مالی مدیران براساس روش تحلیل سلسله مراتبی AHP

عوامل اصلی	وزن عوامل اصلی	عوامل فرعی	وزن محلی عوامل فرعی	وزن نهایی	رتبه (اولویت)
A	0.284	A1	0.216	0.061	8
		A2	0.437	0.124	3
		A3	0.347	0.099	5
B	0.345	B1	0.204	0.070	7
		B2	0.263	0.091	6
		B3	0.533	0.184	2
C	0.372	C1	0.577	0.215	1
		C2	0.320	0.119	4
		C3	0.103	0.038	9

نتایج تحلیل:

نتایج تحلیل جدول محاسبه شده نشان می‌دهد که عامل تنوع سرمایه‌گذاری با وزن نسبی 0.215 در رتبه اول و پس از آن عامل استفاده از کارت بانکی با وزن نسبی 0.184 در رتبه دوم و هزینه برق و گاز با وزن نسبی 0.124 در رتبه سوم و بازده سرمایه‌گذاری با وزن نسبی 0.119 در رتبه چهارم و نرخ تورم با وزن نسبی 0.099 در رتبه پنجم و سابقه اعتباری با وزن نسبی 0.091 در رتبه ششم و بالا نگهداشتن اعتبار بانکی با وزن نسبی 0.070 در رتبه هفتم و نسبت تراکنش حساب با وزن نسبی 0.061 در رتبه هشتم و ریسک سرمایه‌گذاری با وزن نسبی 0.038 در رتبه نهم اهمیت قرار دارد.

تجزیه و تحلیل بر اساس روابط بین متغیرها

آزمون نرمال بودن داده‌ها

به منظور مشخص کردن نوع آزمون مورد استفاده برای فرضیه‌های پژوهش ابتدا به بررسی نرمال یا غیرنرمال بودن داده‌های مربوط به فرضیات از طریق آزمون کولموگراف-اسمیرنوف (K-S) پرداخته شده و سپس با استفاده از نتایج این آزمون از روش‌های آماری پارامتری یا ناپارامتری مناسب برای آزمون استفاده شده است.

جدول آزمون کولموگراف-اسمیرنوف (K-S)

		اختلاف مالی	سواد مالی مدیران	مدیریت پول و پس‌انداز	مدیریت تامین مالی و اعتباری	برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری
N		150	150	150	150	150
Normal Parameters ^{a,b}	Mean	2.2022	2.5992	2.4307	2.5204	2.7160
	Std. Deviation	.82458	1.10685	1.04039	1.05646	.99353
Most Extreme Differences	Absolute	.293	.123	.161	.122	.126
	Positive	.181	.121	.161	.122	.104
	Negative	-.293	-.123	-.100	-.115	-.126
Kolmogorov-Smirnov Z		1.293	1.405	1.366	1.400	1.311
Asymp. Sig. (2-tailed)		.112	.052	.071	.053	.107

مطابق نتایج جدول فوق، با توجه به مقادیر سطح معنی‌داری Sig=0.11 برای متغیر اختلاف مالی، Sig=0.05 برای متغیر سواد مالی مدیران، Sig=0.07 برای متغیر مدیریت پول و پس‌انداز، Sig=0.05 برای متغیر مدیریت تامین مالی و اعتباری،

Sig=0.10 برای متغیر برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری، محاسبه شده است و چون این مقادیر بیشتر از $(r = \%1)$ یعنی $(sig > r)$ می‌توان دریافت که فرض H_0 تأیید و فرض H_1 رد می‌شود و بنابراین فرض نرمال بودن توزیع مشاهدات تأیید می‌شود و می‌توان از آزمون‌های آماری پارامتریک بهره جست.

آزمون فرضیه‌های پژوهش:

با توجه به اینکه فرضیه‌ها از نوع رابطه‌ای می‌باشد و برای اینکه کلیه متغیرها نرمال می‌باشند برای آزمون فرضیه‌ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. جهت بررسی میزان و شدت رابطه بین دو متغیر از روش آزمون همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. که خروجی آن با استفاده از نرم افزار SPSS.20 به شرح جدول زیر است.

جدول نتایج فرضیه اصلی و فرضیه‌های فرعی

اختلاف مالی	سواد مالی مدیران	فرضیه اصلی: بین سواد مالی مدیران و اختلاف مالی شرکت‌ها ارتباط معنادار وجود دارد
		ضریب پیرسون
	1	
		سطح معناداری
	.000	سواد مالی مدیران
		تعداد
	150	
		ضریب پیرسون
	-.594**	اختلاف مالی
		سطح معناداری
	.000	
		تعداد
	150	
اختلاف مالی	مدیریت پول و پس‌انداز	فرضیه 1: بین سواد مدیریت پول و پس‌انداز و اختلاف مالی شرکت‌ها ارتباط معنادار وجود دارد
		ضریب پیرسون
		سطح معناداری
		مدیریت پول و پس‌انداز
		تعداد
		1
		150
		ضریب پیرسون
		سطح معناداری
		مدیریت پول و پس‌انداز
		تعداد
		1
		150

اختلاف مالی	مدیریت تامین مالی و اعتباری	فرضیه 2: بین سواد مدیریت تامین مالی و اعتباری و اختلاف مالی شرکت‌ها ارتباط معنادار وجود دارد
-0.394**	1	ضریب پیرسون
.000		سطح معناداری
150	150	تعداد
1	-0.394**	ضریب پیرسون
.000		سطح معناداری
150	150	تعداد
اختلاف مالی	مدیریت برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری	فرضیه 3: بین سواد مدیریت برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری و اختلاف مالی شرکت‌ها ارتباط معنادار وجود دارد.
-0.482**	1	ضریب پیرسون
.000		سطح معناداری
150	150	تعداد
1	-0.482**	ضریب پیرسون
.000		سطح معناداری
150	150	تعداد

مطابق جدول بالا، میزان همبستگی برابر $r = -0.594$ شده است که با توجه به سطح معنی‌داری $\text{Sig} = 0.000$ و این مقدار کمتر از $(r = 1\%)$ یعنی $(\text{sig} < r)$ می‌توان دریافت که فرض H_0 رد شده و فرض H_1 مورد تأیید قرار گرفته است. یعنی می‌توان نتیجه گرفت که در سطح اطمینان 99 درصد بین سواد مالی مدیران، سواد مدیریت پول و پس‌انداز، سواد مدیریت تامین مالی و اعتباری و سواد مدیریت برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری با اختلاف مالی شرکت‌ها ارتباط معنادار وجود دارد.

نتیجه گیری و بحث

فرضیه اصلی

با توجه به نتایج پژوهش میزان همبستگی برابر $r = -0.594$ شده است. که با توجه به سطح معنی داری $Sig = 0.000$ و این مقدار کمتر از ($\alpha = 1\%$) یعنی ($sig < \alpha$) می توان دریافت که فرض H_0 رد شده و فرض H_1 مورد تأیید قرار گرفته است. یعنی می توان نتیجه گرفت که در سطح اطمینان 99 درصد بین سواد مالی مدیران و اختلاف مالی شرکت ها ارتباط معنادار وجود دارد. در این راستا؛ شن و همکاران (2016) به بررسی ارتباط بین سواد مالی و اختلافات مالی پرداختند. طبق بررسی های انجام شده نتایج پژوهش آنان نشان داد هرچه سواد مالی در شرکت ها افزایش می یابد، به همان میزان منجر به کاهش اختلافات مالی در شرکت ها می شود. همچنین با افزایش سواد مدیریت پول و پس انداز، سواد مدیریت تامین مالی و اعتباری و سواد برنامه ریزی سرمایه گذاری، سواد مالی کاهش می یابد.

فرضیه فرعی اول

بر اساس نتایج پژوهش میزان همبستگی برابر $r = -0.253$ شده است. که با توجه به سطح معنی داری $Sig = 0.002$ و این مقدار کمتر از ($\alpha = 1\%$) یعنی ($sig < \alpha$) می توان دریافت که فرض H_0 رد شده و فرض H_1 مورد تأیید قرار گرفته است. یعنی می توان نتیجه گرفت که در سطح اطمینان 99 درصد بین مدیریت پول و پس انداز و اختلاف مالی شرکت ها ارتباط معنادار وجود دارد. در این راستا؛ مارتین و همکاران (2011) در پژوهشی به بررسی رابطه بین سواد مالی و مشارکت در بورس پرداختند و به این نتیجه رسیدند که اکثریت پاسخ دهندگان دانش مالی اساسی و برخی از درک مفاهیمی مانند ترکیب بهره، تورم و ارزش زمانی پول نمایش می دهند. با این حال، تعداد بسیار کمی از آنها مفاهیم اساسی فراتر از این را می دانستند، بسیاری از پاسخ دهندگان تفاوت بین اوراق قرضه و سهام، رابطه بین قیمت اوراق قرضه، نرخ بهره و اصول تنوع ریسک را نمی دانستند.

فرضیه فرعی دوم

از آنجاییکه میزان همبستگی برابر $r = -0.394$ شده است. که با توجه به سطح معنی داری $Sig = 0.000$ و این مقدار کمتر از ($\alpha = 1\%$) یعنی ($sig < \alpha$) می توان دریافت که فرض H_0 رد شده و فرض H_1 مورد تأیید قرار گرفته است. یعنی می توان نتیجه گرفت که در سطح اطمینان 99 درصد بین مدیریت تامین مالی و اعتباری و اختلاف مالی شرکت ها ارتباط معنادار وجود دارد. در این راستا، ون روژ و لوساردی (2011)، در مقاله ای با عنوان سواد مالی و مشارکت در بازار سهام، دو مدل خاص برای اندازه گیری سواد مالی و مطالعه ارتباط آن با مشارکت در بورس، به وسیله نظرسنجی از خانوارها ارائه نمودند. آنها دریافتند که اکثر پاسخ دهندگان اطلاعات پایه و ابتدایی مالی و مفاهیمی مانند نرخ بهره، تورم و ارزش زمانی پول را درک می کنند. با این حال تعداد اندکی از مفاهیم اساسی اطلاع دارند. به علاوه خیلی از پاسخ دهندگان تفاوت بین اوراق قرضه و

سهام، رابطه بین قیمت اوراق قرضه و نرخ بهره و اصول متنوع سازی مخاطره را نمی‌دانند و از همه مهم‌تر، آن‌ها دریافتند که سواد مالی، تصمیم سرمایه‌گذاری مالی را تحت تاثیر قرار می‌دهد و عدم درک اقتصادی و امور مالی یک عامل بازدارنده برای مالکیت سهام است. از سوی دیگر افراد با سواد مالی کم، کمتر احتمال دارد در سهام سرمایه‌گذاری کنند. سرمایه‌گذاران با تحصیلات یا ثروت پایین، به احتمال زیاد اقدام به نگهداری سبدهای متنوع ضعیف می‌کنند و مشخصات عمومی جمعیتی سرمایه‌گذاران ناآگاه بسیار شبیه افراد با سواد پایین در نمونه است.

فرضیه فرعی سوم

میزان همبستگی برابر $r = -0.482$ شده است. که با توجه به سطح معنی‌داری $\text{Sig} = 0.000$ و این مقدار کمتر از ($r = 1\%$) یعنی ($\text{sig} < r$) می‌توان دریافت که فرض H_0 رد شده و فرض H_1 مورد تأیید قرار گرفته است. یعنی می‌توان نتیجه گرفت که در سطح اطمینان 99 درصد بین مدیریت برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری و اختلاف مالی شرکت‌ها ارتباط معنادار وجود دارد. در همین راستا، هوشین و همکاران (2015) در پژوهش خود به بررسی ارتباط بین سواد مالی و اختلافات مالی پرداختند. طبق تحلیل‌های انجام شده نتایج نشان داد که بین سواد مالی و اختلاف مالی در بین مدیران رابطه معنی‌دار وجود دارد. بدین معنی که افراد با سطح سواد بالای مالی کمتر تجربه اختلاف مالی و نیز واکنش به آن را دارد. ساچز و همکاران (2012)، در قسمت اول مقاله خود تحت عنوان مخاطره سرمایه‌گذاری، به بررسی میزان سواد مالی و ارتباط آن با درک مخاطره سرمایه‌گذاری در آلمان پرداختند و به این نتیجه رسیدند که سواد مالی در ارتباط با تحلیل و درک مخاطره، با تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری رابطه مستقیم دارد و بر اساس تجزیه و تحلیل رگرسیون، تفاوت بسیار جزئی در ترکیب مدل‌های درک مخاطره بین سرمایه‌گذاران وجود دارد. آن‌ها همچنین در قسمت دوم مقاله خود، به بررسی تاثیر جنسیت، سن، تجربه سرمایه‌گذاری بر ارتباط سواد مالی و درک مخاطره سرمایه‌گذاری پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیدند که اختلاف معناداری بر اساس این عوامل در ارتباط با سواد مالی و درک از مخاطره وجود دارد.

پیشنهاد‌های پژوهش

با توجه به نتیجه آزمون فرضیه اصلی "بین سواد مالی مدیران و اختلاف مالی شرکت‌ها ارتباط معنادار وجود دارد." بنابراین به مدیران توصیه می‌شود به دنبال تقویت و افزایش سواد مالی و تجاری در کارکنان و مدیران سازمان خود باشند. اگر کارکنان خود را با سواد مالی و به درستی اهرم ابزار مالی مجهز کنند، مدیران به‌طور پیشگیرانه می‌توانند اختلافات مالی را کاهش دهند و روش مثبت و نگرش برای حل و فصل چنین اختلافاتی را تسهیل کنند.

فهرست منابع

- 1- ایزدی، منصوره (1391). "تأثیر سواد مالی بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری در ایران". پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- 2- ملازاده، محمد، لاری دشت بیاض، محمود و ساعی، محمدجواد (1395). تأثیر دانش مالی مدیرعامل بر روی مدیریت سود. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابداری. دوره 8. شماره 30. صص 37-59
- 3- Lusardi, a, Mitchell, O.S (2007). Financial Literacy: Implications for Retirement Security and the Financial Marketplace. Oxford University Press, Oxford, U.K. <http://www.dartmouth.edu/~alusardi/Papers/FinancialLiteracy.pdf>.
- 4- Marten, M (2011). "financial literacy and stock market participation". Journal of Financial Economics. No.110, PP. 449-472.
- 5- Shen, C, Lin, S, Tang, D, & Hsiao, Y (2016). "The Relationship between Financial Disputes and Financial Literacy". Pacific-Basin Finance Journal, No. 36, PP. 46-65.
- 6- Shen, C.H., Lin, J.S., Tang, D.P., Hsiao, Y.J (2015) "Self-Control, Financial Literacy and Harmful Consumer Credit Behavior in Taiwan Market". Acad. Econ. Pap.
- 7- Stango, V., Zinman, J (2009). Exponential Growth Bias and Household Finance. J. Financ. No. 64, PP. 2807-2849.
- 8- Schicks, J (2012) "Over-Indebtness in MicroFinance—an Empirical Analysis of Related Factors on the Borrower Level. World Dev. No. 54, PP .301-324.
- 9- Stango, V., Zinman, J (2009) "Exponential Growth Bias and Household Finance". Journal Financ. No. 64, PP. 2807-2849.
- 10- Van Rooij, M., Lusardi, A., Alessie, R (2011). "Financial Literacy and Stock Market Participation". Journal Financ. Econ. No.101, PP. 449-472.
- 11-Van Rooij, M., Lusardi, A., Alessie, R (2011). "Financial Literacy and Retirement Planning in the Netherlands". Journal Econmic Psychol. No.32, PP. 593-608.
- 12-Van Rooij, M., Lusardi, A., Alessie, R (2012) "Financial Literacy, Retirement Planning and Household Wealth". Econ. Journal, No. 122, PP .449-478.